

نظریه فرهنگی استاد مطهری

مهدی جمشیدی

شناسنامه پژوهشی

- عنوان طرح نامه: نظریه فرهنگی استاد مطهری
- پژوهشکده: فرهنگ و مطالعات اجتماعی
- گروه علمی: فرهنگ پژوهی
- محقق: مهدی جمشیدی
- ارزیابان علمی: حجج اسلام حمید پارسائیان و حسن علی اکبری
- موضوع اصلی: فرهنگ
- موضوع فرعی: نظریه‌های فرهنگی
- مدت انجام تحقیق: ۲ سال



نظریه فرهنگی استاد مطهری

مهدی جمشیدی

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

طراح جلد: سیدایمان نوری نجفی

چاپ و صحافی: مجاب

سرشناسه: جمشیدی، مهدی، ۱۳۶۰-.

عنوان و نام پدیدآور: نظریه فرهنگی استاد مطهری / مهدی جمشیدی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۴۵۰ص.

شابک: ۷-۳۴۹-۱۰۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه.

موضوع: مطهری، مرتضی، ۱۳۵۸-۱۳۹۸ — نظریه درباره فرهنگ.

موضوع: فرهنگ اسلامی. موضوع: فرهنگ اسلامی — ایران.

موضوع: اسلام و فرهنگ. موضوع: فرهنگ.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ج ۸/م ۲۳۳ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۴۴۷۱۵

شب جتوین حضرت امام

تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

www.poiict.ir

فهرست

پیشگفتار.....	۱۵
مقدمه.....	۱۹
۱. مسئله پژوهش.....	۱۹
۲. هدف‌های پژوهش.....	۲۰
۳. سؤال‌های پژوهش.....	۲۰
۴. ضرورت‌های پژوهش.....	۲۱
۵. پیش‌فرض‌های پژوهش.....	۲۴
۶. قلمرو نظری پژوهش.....	۲۵
۷. مبانی نظری پژوهش.....	۲۸
۸. روش‌های گردآوری داده‌های پژوهش.....	۲۸
۹. رویکرد تحلیل داده‌های پژوهش.....	۲۹
۱۰. سطح پژوهش.....	۳۵
۱۱. ساختار و چیدمان پژوهش.....	۳۵
۱۲. تعریف مفاهیم کلیدی پژوهش.....	۳۶
۱۳. اهم نتایج و یافته‌های پژوهش.....	۳۹
۱۴. گستره دستاوردهای مترتب بر پژوهش.....	۴۷
۱۵. پیشینه پژوهش.....	۴۷
۱۶. نوآوری‌ها و مزیت‌های پژوهش.....	۴۸

- ۱۶-۱. نوآوری‌ها و ابتکارها..... ۴۸
- ۱۶-۲. مزیت‌ها و فضیلت‌ها..... ۴۸
۱۷. ملاحظات و تذکارات نظری..... ۴۹
۱۸. قدردانی و تشکر..... ۵۲

فصل اول: مبانی نظری..... ۵۵

- مقدمه..... ۵۷
۱. هستی‌شناسی فرهنگی..... ۶۰
- ۱-۱. انسان به‌مثابه کنشگر فرهنگی..... ۶۰
- ۱-۱-۱. فطرت‌مندی الهی..... ۶۱
- ۱-۱-۲. ارتکاب کنش‌های معطوف به ارزش..... ۶۳
- ۱-۱-۳. حیات‌مندی ابدی اخروی..... ۶۵
- ۱-۱-۴. فاعلیت‌گری نسبی و بنیابینی..... ۶۶
- ۱-۱-۵. کمال‌یابی از طریق دین الهی..... ۶۹
- ۱-۲. جامعه..... ۷۰
- ۱-۳. فرهنگ..... ۷۵
- ۱-۳-۱. غیرمادی‌بودن اجزای فرهنگ..... ۷۷
- ۱-۳-۲. تطابق اجزای فرهنگ با غرایز انسان..... ۷۸
- ۱-۳-۳. انسجام درونی اجزای فرهنگ با یکدیگر..... ۸۱
- ۱-۳-۴. خاص‌بودن فرهنگ..... ۸۲
- ۱-۳-۵. روح‌وارگی فرهنگ نسبت به جامعه..... ۸۳
- ۱-۳-۶. اثرگذاری بر کنشگری عاملیت‌ها..... ۸۵
- ۱-۳-۷. عارض‌شدن فرهنگ بر انسان به‌مثابه هویت اکتسابی..... ۸۶
- ۱-۴. علیت در جهان فرهنگی..... ۸۸
- ۱-۵. کشمکش در جهان فرهنگی..... ۹۰
۲. معرفت‌شناسی فرهنگی..... ۹۲
- ۲-۱. روش معرفت فرهنگی..... ۹۲
- ۲-۲. درجه قطعیت معرفت فرهنگی..... ۱۰۰

- ۲-۳. درجهٔ تعمیم‌پذیری معرفت فرهنگی ۱۰۵
- جمع‌بندی ۱۰۷

فصل دوم: «فرهنگ اسلامی»؛ ماهیت، پویایی، فضیلت و کارکردها.. ۱۱۱

- مقدمه ۱۱۳
۱. ماهیت فرهنگ اسلامی ۱۱۴
- ۱-۱. اجزای مقوم بُعد معرفت‌شناختی فرهنگ اسلامی ۱۱۸
- ۱-۲. اجزای مقوم بُعد هستی‌شناختی فرهنگ اسلامی ۱۱۹
- ۱-۳. اجزای مقوم بُعد هنجارشناختی فرهنگ اسلامی ۱۲۴
۲. فرهنگ اسلامی و دگرگونی‌های عصری ۱۲۹
۳. اسلام و کثرت‌گرایی فرهنگی ۱۳۶
۴. فرهنگ اسلامی؛ مولد تمدن کم‌نظیر ۱۴۶
۵. کارکردهای فرهنگ اسلامی ۱۴۸
- ۵-۱. کارکردهای فردی فرهنگ اسلامی ۱۵۰
- ۵-۱-۱. بهجت‌زایی و انبساط‌آفرینی ۱۵۰
- ۵-۱-۲. مقاومت‌زایی در برابر دشواری‌ها ۱۵۳
- ۵-۲. کارکردهای اجتماعی فرهنگ اسلامی ۱۵۵
- جمع‌بندی ۱۵۶

فصل سوم: «حکومت دینی» و مداخله در «عرصهٔ فرهنگ» ۱۶۱

- مقدمه ۱۶۳
۱. حق مداخلهٔ حکومت دینی در عرصهٔ فرهنگی ۱۶۴
- ۱-۱. اثبات حق مداخله بر مبنای ایدئولوژی اسلامی ۱۶۴
- ۱-۲. اثبات حق مداخله بر مبنای جهان‌بینی اسلامی ۱۶۶
۲. حدود مداخلهٔ حکومت اسلامی در حوزهٔ فرهنگی ۱۶۹
- ۲-۱. رویارویی با عقاید و سنت‌های باطل ۱۷۰
- ۲-۲. رویارویی با توطئه‌گری معرفتی ۱۷۹
- جمع‌بندی ۱۸۴

فصل چهارم: تعاملات «فرهنگ اسلامی» و «جامعه ایرانی» ۱۸۷

مقدمه ۱۸۹

۱. ملیت‌گرایی فرهنگی در بوته نقد ۱۹۰

۲. دلایل گراییدن جامعه ایرانی به فرهنگ اسلامی ۱۹۶

۳. کارکردهای فرهنگ اسلامی برای جامعه ایرانی ۲۱۰

۳-۱. دوره متقدم؛ زدودن سیطره سنت‌های فرهنگی ناروا ۲۱۰

۳-۱-۱. نمایی از نظامات جامعه ایرانی در عهد ساسانی ۲۱۱

۳-۱-۱-۱. نظام اعتقادی ۲۱۱

۳-۱-۱-۲. نظام اجتماعی ۲۱۹

۳-۱-۱-۳. نظام خانوادگی ۲۲۰

۳-۱-۲. ارمغان‌های فرهنگ اسلامی برای جامعه ایرانی ۲۲۱

۳-۱-۳. کتاب‌سوزی مسلمانان در ایران؛ افسانه‌ای تاریخی ۲۲۴

۳-۲. دوره متأخر ۲۲۸

۳-۲-۱. رویش انقلاب اجتماعی از بستر فرهنگ اسلامی ۲۲۸

۳-۲-۲. فرهنگ اسلامی و تولید ایدئولوژی انقلابی ۲۲۹

۳-۲-۳. فرهنگ اسلامی و تولید کنش انقلابی ۲۳۴

۳-۲-۳-۱. جهاد و امر به معروف و نهی از منکر ۲۳۵

۳-۲-۳-۲. شهادت‌طلبی ۲۳۸

۳-۲-۴. فرهنگ اسلامی و تولید رهبر انقلابی ۲۴۱

۳-۲-۵. فرهنگ اسلامی و تولید طبقه پیشرو انقلابی ۲۴۵

۳-۲-۶. فرهنگ اسلامی و تولید بسیج انقلابی ۲۴۶

۳-۲-۷. کارکرد معرفتی؛ استقلال ایدئولوژیک در برابر ایدئولوژی‌های

سکولار ۲۴۹

۴. کارکردهای جامعه ایرانی برای فرهنگ اسلامی ۲۵۰

۴-۱. کارکردهای تبلیغی و نظامی ۲۵۱

۴-۲. کارکردهای علمی ۲۵۲

۴-۲-۱. قرائت و تفسیر ۲۵۴

۴-۲-۲. حدیث و روایت ۲۵۶

- ۲۵۷..... ۳-۲-۴. فقه و فقهات
- ۲۵۸..... ۴-۲-۴. ادبیات
- ۲۵۹..... ۵-۲-۴. کلام
- ۲۶۰..... ۶-۲-۴. فلسفه
- ۲۶۲..... ۷-۲-۴. عرفان
- ۲۶۴..... ۳-۴. کارکردهای هنری و صنعتی
- ۲۶۵..... ۵. مقوم ماهیت فرهنگ جامعه ایران
- ۲۶۵..... ۱-۵. بیان نظریه
- ۲۶۸..... ۲-۵. اثبات نظریه عدم وابستگی هویتی جامعه معاصر ایرانی به ایران باستان
- ۲۶۸-۱-۵..... ۱-۲-۵. عدم وقوع اجتماعی «وابستگی هویتی» جامعه معاصر ایرانی به ایران باستان
- ۲۶۹..... ۲-۵-۲. عدم امکان ایدئولوژیک «وابستگی هویتی» جامعه معاصر ایرانی به ایران باستان
- ۲۷۴..... ۱-۲-۵. جمع‌بندی

فصل پنجم: علل فرهنگی انحطاط تمدنی مسلمین ۲۸۳

- ۲۸۵..... مقدمه
- ۲۸۹..... ۱. ابطال نظریه‌های رقیب
- ۲۸۹..... ۱-۱. نظریه انحطاط قهری تمدن‌ها
- ۲۹۰..... ۲-۱. نظریه انحطاط‌زایی برخی از آموزه‌های اسلام
- ۲۹۳..... ۲. اثبات نظریه برگزیده: انحطاط دوعاملی
- ۲۹۳..... ۱-۲. فاصله‌گیری مسلمین از آموزه‌های اسلام
- ۲۹۳..... ۱-۱-۲. عامل انحطاط‌زا؛ «دین» اسلام یا «دین فهمی» مسلمین؟
- ۲۹۷..... ۲-۱-۲. مصداق‌ها و شواهدی از «دین فهمی وارونه»
- ۲۹۷..... ۱-۲-۲. ایمان‌گرایی عمل‌گریزانه
- ۳۰۲..... ۲-۱-۲-۲. درک آموزه «توکل» به مثابه ابزار وادادگی و بی‌حرکی
- ۳۰۳..... ۳-۱-۲-۲. درک آموزه «زهد» به مثابه ابزار دنیاستیزی
- ۳۰۹..... ۲-۲. مداخلیت عوامل بیگانه و خارجی

- ۳۱۰-۲-۲. تحریف معارف اسلامی و فرقه‌سازی از سوی غیرمسلمانان..... ۳۱۰
- ۳۱۲-۲-۲. حملات نظامی ویرانگر به قلمرو اسلامی..... ۳۱۲
- ۳۱۲-۲-۳. استعمارگری غرب مدرن..... ۳۱۲
- ۳۱۳-۳. گذار از انحطاط؛ جست‌وجوی «من» اسلامی..... ۳۱۳
- ۳۱۵-جمع‌بندی..... ۳۱۵

فصل ششم: غرب و فرهنگ غربی..... ۳۱۹

- ۳۲۱-مقدمه..... ۳۲۱
- ۳۲۲-۱. نقادی ارکان نظری فرهنگ غربی..... ۳۲۲
- ۳۲۲-۱-۱. نقد عقل‌گرایی..... ۳۲۲
- ۳۲۵-۱-۲. نقد تجربه‌گرایی..... ۳۲۵
- ۳۳۰-۱-۳. اومانیزم..... ۳۳۰
- ۳۳۵-۱-۴. سکولاریسم..... ۳۳۵
- ۳۳۸-۱-۵. لیبرالیسم..... ۳۳۸
- ۳۴۶-۱-۶. فردگرایی..... ۳۴۶
- ۳۵۰-۱-۷. دموکراسی..... ۳۵۰
- ۳۵۳-۱-۸. نسبی‌گرایی ارزشی و فرهنگی..... ۳۵۳
- ۳۵۶-۱-۹. سرمایه‌سالاری..... ۳۵۶
- ۳۶۱-۱-۱۰. فمینیسم..... ۳۶۱
- ۳۶۵-۲. سیطره «بحران معنوی» بر غرب معاصر..... ۳۶۵
- ۳۷۳-۳. کارنامه غرب متجدد؛ «پیشرفت» یا «انحطاط»؟..... ۳۷۳
- ۳۸۰-۴. راهبرد مواجهه جامعه اسلامی با غرب و فرهنگ غربی..... ۳۸۰
- ۳۸۷-جمع‌بندی..... ۳۸۷

نتیجه‌گیری..... ۳۹۱

- ۳۹۱-۱. منزلت علمی علامه مطهری؛ «جامعه‌شناس» یا «فیلسوف اجتماعی»؟..... ۳۹۱
- ۳۹۲-۲. خصوصیت‌های مبتکرانه نظریه فرهنگی علامه مطهری..... ۳۹۲
- ۳۹۶-۳. مقومات «هویت دینی» نظریه فرهنگی علامه مطهری..... ۳۹۶

۴. سیر دوسویه میان «نظریه» و «واقعیت» در اندیشه‌پردازی علامه مطهری... ۳۹۹

۵. مطالعه تطبیقی نظریه علامه مطهری و بنیان‌گذاران علم اجتماعی سکولار... ۴۰۱

کتابنامه ۴۰۳

۱. فارسی ۴۰۳

۲. مقالات ۴۱۰

۳. لاتین ۴۱۲

فهرست آیات ۴۱۵

فهرست روایات ۴۲۵

نمایه ۴۲۷

نمایه موضوعی ۴۳۵

پیشگفتار

در پرتو پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، بار دیگر، دین و معرفت دینی به ویژه تعالیم متعالی اسلامی، به عنوان فکر و فرهنگ مرفعی و نجات‌بخش آدمی، در عرصه حیات انسان معاصر ظاهر شد. تجدید حیات تعالیم و حیانی و ارزش‌های اسلامی از سویی سبب بیداری و خودباوری ملت‌های مسلمان و احیای روح ستم‌ستیزی در آنان شد و از دیگر سو باعث نمایان‌تر شدن سست‌پایگی مسلک‌ها و مکاتب بشری و نظام‌های مبتنی بر آنها گشت.

بایستگی تحقیقات دقیق و منسجم، نظریه‌پروری و نوآوری پیرامون زیرساخت‌های اندیشه دینی و نظامات اجتماعی مبتنی بر آن و ضرورت پرداخت علمی و روزآمد به حوادث واقعه فکری، به فراخور شرایط کنونی و درخور این رستخیز عظیم و نیز لزوم آسیب‌شناسی در حوزه فرهنگ ملی و باورداشت‌های رایج دینی، به منظور زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی دین و تبیین و عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و صیانت از هویت فرهنگی و سلامت فکری اقشار تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی- پژوهشی و آموزشی، دانشگاهی و حوزوی ممحض و کارآمدی را فرض می‌نمود.

بر این اساس «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» به عنوان یک نهاد علمی- فکری حسب‌الامر و براساس نظر رهبر فرهیخته انقلاب اسلامی

آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) و با تلاش‌های فراوان حجت‌الاسلام والمسلمین علمی‌اکبر رشاد در سال ۱۳۷۳ تأسیس شده است و در طول سالیان گذشته تلاش کرد با ترویج و تبیین مبانی فکری و اعتقادی انقلاب اسلامی و همچنین پاسخگویی منطقی و عالمانه به چالش‌های نظری و فرهنگی معطوف به آن، یک جبهه ایدئولوژیک منسجم و فعال را پدید آورد. این پژوهشگاه در قالب چهار پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی و دانشنامه‌نگاری دینی و همچنین مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

«پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی» که متشکل از پنج گروه «فرهنگ‌پژوهی»، «مطالعات انقلاب اسلامی»، «تاریخ و تمدن»، «غرب‌شناسی» و «ادبیات اندیشه» است، در راستای تولید و ساماندهی تأملات و کاوش‌های علمی با رویکرد اسلامی و انتقادی در قلمرو واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی، در چارچوب سرفصل‌های زیر فعالیت می‌کند:

یکم. شناخت و بازپیرایی موارث مکتوب علمی اسلامی در حوزه تاریخ، تمدن، اجتماع، فرهنگ و هنر ایران و اسلام؛
دوم. تحقیق در زمینه تحولات، مبانی و مسائل تمدن، اجتماع، فرهنگ و هنر اسلامی و ایرانی؛

سوم. تحلیل و بازکاوی کاستی‌های دیرین، آسیب‌شناسی وضعیت کنونی و بررسی چشم‌انداز و چالش‌های آتی فرهنگ و تمدن اسلامی و ارائه راهکارهای شایسته برای احیا و ارتقای فرهنگ و هنر اسلامی - ایرانی و تعمیق پیوند نسل امروز با آن؛

چهارم. بررسی و تبیین نظری پیشینه، مبانی، اهداف و فرآیند تحقق انقلاب اسلامی و مطالعه و بازشناسی مسائل و موانع انقلاب و راه‌های تحکیم اصول و توسعه آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی آن و مصون‌سازی طبقات اجتماعی در قبال تهاجم فکری - فرهنگی بیگانگان؛

پنجم. بازشناسی ماهیت و مؤلفه‌های فکر و فرهنگ غربی و نقد و ارزیابی

علمی دستاوردهای تمدن جدید، بررسی راه‌های گسترش دادن اندیشه اسلامی و طرق اصطیاد عناصر انسانی و عقلانی فرهنگ و تمدن دیگر ملل؛ ششم. نقد آثار و آرای مطرح‌شده در حوزه‌های مطالعاتی پژوهشکده.

تحقیق حاضر که نتیجه تلاش علمی محقق ارجمند جناب آقای مهدی جمشیدی در گروه فرهنگ‌پژوهی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی است، به موضوع نظریه فرهنگی آیت‌الله علامه شهید مرتضی مطهری رحمته‌الله می‌پردازد. در این پژوهش، محقق گرامی بر اکتشاف، ساختاربندی و بسط پاره‌ها و ابعادی از نظریه فرهنگی علامه مطهری همت گمارده است که در نوع خود، بی‌پیشینه است و نخستین مطالعه به‌شمار می‌آید؛ چراکه تاکنون، این بخش از اندیشه و افکار استاد شهید، دست‌مایه پژوهش قرار نگرفته و شناخته نشده بود.

این پژوهش در شش فصل، سامان یافته است: فصل اول: مبانی نظری؛ فصل دوم: فرهنگ اسلامی؛ ماهیت، پویایی، فضیلت و کارکردها؛ فصل سوم: حکومت دینی و مداخله در عرصه فرهنگ؛ فصل چهارم: تعاملات فرهنگ اسلامی و جامعه ایرانی؛ فصل پنجم: علل فرهنگی انحطاط تمدنی مسلمین؛ فصل ششم: غرب و فرهنگ غربی؛ البته همچنان‌که اشاره شده، این مباحث، تمامی تأملات و افکار فرهنگی علامه مطهری را دربر نمی‌گیرند و مباحث و موضوعاتی دیگری از این دست باقی می‌مانند که به‌جاست اهل دقت و نظر، به بازخوانی و بازآرایی آنها بپردازند. در این میان، نکته مهم آن است که معطوف‌بودن علایق مطالعاتی و پژوهشی نگارنده این اثر به تولید «علوم انسانی اسلامی» و به‌طور خاص، تولید «جامعه‌شناسی اسلامی»، سبب شده تا وی نظریه فرهنگی علامه مطهری را در هیئت یک نظریه دینی ارائه نماید و در بخش‌های مختلف پژوهش خویش، از وجوه و ابعاد دینی آن، رمزگشایی کند و آنها را با صراحت و به‌صورت برجسته، در پژوهش خود مطرح نماید. درواقع، پژوهش حاضر را باید قدمی هرچند کوچک در راستای پروژه کلان و تمدنی تولید علوم انسانی اسلامی شمرد.

بر خود لازم می‌دانیم از تلاش‌های علمی و ارزشمند محقق محترم، جناب آقای مهدی جمشیدی، قدردانی و تشکر نماییم؛ همچنین از شورای علمی گروه فرهنگ‌پژوهی، و نیز ارزیابان محترم این تحقیق، آقایان حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حمید پارسائی و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن علی‌اکبری که با ارائه نظرهای ارزشمند خود بر غنای این اثر افزودند و سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که مسئولیت آماده‌سازی، انتشار و توزیع آن را بر عهده دارد، کمال سپاس و امتنان را داریم.

گروه فرهنگ‌پژوهی

پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی

مقدمه

۱. مسئله پژوهش

آیت الله شهید، علامه مرتضی مطهری رحمته الله علیه در مقام یک اسلام‌شناس ژرف‌اندیش و متفکری که اندیشه‌اش به اساسی‌ترین پرسش‌های حوزه‌های مختلف علوم انسانی ناظر بوده، اگرچه اثر مستقلى درباره «فرهنگ»^۱ از خود به جا نگذاشته است، اما در متن و حواشی برخی از آثار ایشان، می‌توان به مطالب و مباحثی که از جنس مقوله فرهنگ یا مرتبط با آن هستند، دست یافت. نگارنده این اثر، گزاره‌ها و تأملاتی از این دست را، به‌طور کلی، «نظریه فرهنگی»^۲ علامه مطهری به‌شمار آورده است. در این راستا، پژوهش حاضر به عرضه روایتی «ساختارمند»^۳ و «مبسوط»^۴ از نظریه فرهنگی علامه مطهری معطوف است. عمل «ساختاربندی»، یعنی از نظر صورت و قالب، اجزا و مقولات مختلف نظریه ایشان که «پراکنده» و «نظام‌نیافته» هستند، در درون یک ساختار^۵ دقیق و منطقی قرار گیرند، و عمل «بسط‌دهی» یعنی از نظر محتوا و مضمون، پاره‌هایی از نظریه آیت الله شهید که «ناقص»، «موجز» یا «مبهم» بیان

-
1. Culture.
 2. Cultural theory.
 3. Structured.
 4. Expanded.
 5. Structure.

شده‌اند، با تکیه بر سایر گفته‌ها و نوشته‌های ایشان، گسترش و تفصیل یابند. باید اضافه نمود این پژوهش، فراتر و دشوارتر از آن سنت معرفتی‌ای است که در گذشته، حاشیه (تعلیق) نویسی یا شرح نویسی خوانده می‌شد؛ چراکه در اینجا، نظریه فرهنگی علامه شهید در یک اثر واحد، موجود و مجتمع نبوده است؛ از این رو، تلاش وافر در راستای گردآوری اجزا و پاره‌های این نظریه، و سپس ابداع چارچوب و شیوه بیانی منطقی و قاعده‌مندی برای عرضه این مضمون و محتوا صورت گرفته است؛ همچنین باید اشاره کرد که این پژوهش، در چارچوب رویکرد رجوع به میراث معرفتی سلف صالح، به منظور بازخوانی و بازآرایی آن، معنا و موضوعیت یافته است.

۲. هدف‌های پژوهش

هدف اصلی این پژوهش عبارت از اکتشاف، ساختاربندی و بسط نظریه فرهنگی استاد مطهری است. اهداف فرعی نیز چنین است: اکتشاف، ساختاربندی و بسط مبانی نظریه فرهنگی استاد مطهری؛ اکتشاف، ساختاربندی و بسط نظریه استاد مطهری درباره ماهیت، پویایی، فضیلت و کارکردهای فرهنگ اسلامی؛ اکتشاف، ساختاربندی و بسط نظریه استاد مطهری درباره حق و حدود مداخله حکومت اسلامی در عرصه فرهنگ؛ اکتشاف، ساختاربندی و بسط نظریه استاد مطهری درباره تعاملات جامعه ایرانی و فرهنگ اسلامی؛ اکتشاف، ساختاربندی و بسط نظریه استاد مطهری درباره علل فرهنگی انحطاط تمدنی مسلمین؛ اکتشاف، ساختاربندی و بسط نظریه انتقادی استاد مطهری درباره غرب و فرهنگ غربی.

۳. سؤال‌های پژوهش

سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه نظریه فرهنگی استاد مطهری چیست؟ سؤال‌های فرعی نیز بدین شرح است: مبانی (فلسفی) نظریه فرهنگی استاد مطهری چیست؟ نظریه استاد مطهری درباره ماهیت، پویایی،

فضیلت و کارکردهای فرهنگ اسلامی چیست؟ نظریه استاد مطهری درباره حق و حدود مداخله حکومت اسلامی در عرصه فرهنگ چیست؟ نظریه استاد مطهری درباره تعاملات جامعه ایرانی و فرهنگ اسلامی چیست؟ نظریه استاد مطهری درباره علل فرهنگی انحطاط تمدنی مسلمین چیست؟ نظریه استاد مطهری درباره غرب و فرهنگ غربی چیست؟

۴. ضرورت‌های پژوهش

۴-۱. به‌طور کلی، بحث و گفت‌وگوی علمی درباره «فرهنگ» و احکام و عوارض آن، از چند منظر برای جامعه اسلامی و انقلابی ما، اصالت و اهمیت دارد: یکی اینکه، «انقلاب اسلامی ایران» در درجه نخست یک «انقلاب فرهنگی»^۱ بود که نظم معنایی و ارزشی پیشین را درهم شکست و یک نظم معنایی و ارزشی برآمده از فرهنگ اسلامی پیش روی جامعه ایران نهاد؛ بنابراین از آنجاکه انقلاب ایران، اولاً و بالذات، در «تحولی فرهنگی»^۲ ریشه داشت، سرنوشت این انقلاب و امکان وصول آن به آرمان‌هایش، به تحقق و تداوم «هویت فرهنگی»^۳ آتش وابسته است.^۴ شناخت هرچه بیشتر و عمیق‌تر فرهنگ در قالب نظریه فرهنگی و با رویکرد دینی برخاسته از ایدئولوژی اسلامی، ما را به قدرت معرفتی و علمی لازم برای صیانت از هویت فرهنگی انقلاب اسلامی - که مقوم اصلی آن، اسلام شیعی است - مجهز می‌سازد. دیگر اینکه، غرب پس از ناکامی در تقابلهای سخت‌افزاری با انقلاب اسلامی - از قبیل کودتا و جنگ نظامی - حدود دو دهه است که به‌شدت بر روی گزینۀ

1. Cultural Revolution.

2. Cultural change.

3. Cultural identity.

۴. ر.ک: مرتضی مطهری: *آینده انقلاب اسلامی ایران*؛ صص ۶۸-۶۹، ۱۲۸-۱۲۹، ۱۶۶-۱۶۷ و

۱۳۷۷/ همو، *نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر*؛ ص ۱۶۵ محمدتقی مصباح یزدی؛ *جامعه و*

تاریخ از دیدگاه قرآن؛ ص ۳۷۰-۳۷۱.

فرهنگی متمرکز شده و یک جنگ تمام عیار فرهنگی را - که رهبر معظم انقلاب از آن به «تهاجم فرهنگی»^۱ تعبیر کرده اند - صورت بندی کرده است. نمی توان از این واقعیت تلخ و گزنده روی برتافت که چنانچه غرب در ساحت این «ستیز نرم»^۲ از عهده رویارویی با انقلاب اسلامی برآید و بر آن غالب شود، در خوش بینانه ترین پنداشت، تنها پوسته و صورتی محض از انقلاب اسلامی بر جا می ماند و در اثر استحاله، ماهیت و مضمون آن از دست می رود.^۳

۲-۴. جامعه علمی ما در حوزه علوم اجتماعی، یا باید در امتداد «علوم اجتماعی سکولار»^۴ تأمل و نظریه پردازی کند یا باید به تولید «علوم اجتماعی اسلامی»^۵ دست بزند. روشن است که نخستین نتیجه مترتب بر انتخاب گزینه

1. Cultural Invasion.

2. Software conflict.

۳. فراتر از این، باید گفت وضعیت فرهنگی جامعه ما از دوره مشروطیت به این سو، به سبب گسترش ارتباطات میان فرهنگی و نفوذ طلبی فرهنگی غرب متجدد، دستخوش تغییرات زیادی شده است:

اگر وضع امروز خود را با هشتاد سال پیش (پیش از مشروطیت ایران) مقایسه کنیم، می بینیم روحانیت آن روز مواجه بوده با جامعه ای «پسته» و «راکد»؛ با جامعه ای که هیچ گونه «واردات فکری» نداشته، جز آنچه از حوزه علمی دینی [به درون جامعه] صادر می شده است. [در نتیجه] فرضاً از آن حوزه ها جز رساله ای علمی یا کتاب هایی در حدود جلاء العیون و حلیه المتقین و معراج السعاده صادر نمی شده است، آن جامعه نیز «مصرف فکری» جز اینها نداشته است؛ ولی امروز، این توازن به شدت بهم خورده است. امروز به طور مستمر از طریق دبستان ها، دبیرستان ها، دانشگاه ها، مؤسسات آشکار و پنهان نشر کتاب، وسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، سینماها، روزنامه ها، مجلات هفتگی و ماهانه و سالانه، کنفرانس ها، سخنرانی ها، و از طریق برخورد با مردمی که از سرزمین های دیگر به کشور ما آمده اند و از طریق مسافرت ها به کشورهای خارج، «هزاران نوع اندیشه» به این جامعه صادر می شود (مرتضی مطهری؛ *آینده انقلاب اسلامی ایران*؛ ص ۲۰۲).

4. Secular social sciences.

5. Islamic Social Sciences.

اول، طرد و نفی گردیدن جهان‌بینی اسلامی در قلمرو علوم اجتماعی - به مثابه یکی از شاخه‌های مهم قلمرو علوم انسانی^۱ - است که هیچ‌گاه، مطلوب یک متفکر مسلمان و متناسب با غایات انقلاب اسلامی نیست:

انقلاب اسلامی ایران، تنها قیام علیه استبداد سیاسی یا اقتصادی نبود؛ بلکه قیام علیه «فرهنگ غرب»، «ایدئولوژی غربی»، «دنبال‌روی از «تفکر غربی» بود، بازگشت به «هویت اسلامی» و خود واقعی و روح جمعی این مردم بود؛ یعنی قمرآن. این قیام، نوعی سرخوردگی از راه و روش‌ها و راه‌حل‌های «غربی» و بازیابی خود جمعی و ملی اسلامی - ایرانی بود.^۲

از سوی دیگر، معنای تولید علوم اجتماعی اسلامی، صورت‌بندی یک «انگاره»^۳ و «رهیافت»^۴ متفاوت است؛ چراکه لازمه متصف شدن «علوم اجتماعی» به صفت «اسلامی»، برآمدن و برگرفتن مبانی و مبادی و روش‌ها و غایات و پاسخ‌های علوم اجتماعی از متن معارف نظری و تفکر اسلامی است. این روند، علوم اجتماعی اسلامی را راجد هویت مستقل و متفاوتی از علوم اجتماعی سکولار می‌کند. یکی از گام‌های اولیه و اساسی در زمینه تولید علوم اجتماعی اسلامی، رجوع به «میراث علمی» به‌جامانده از متفکران اسلامی متقدم و متأخر در حوزه علوم اجتماعی است؛^۵ یعنی باید دریافت که پروژه تولید علوم اجتماعی اسلامی، در سنت معرفتی گذشته ما، تا چه نقطه‌ای پیش رفته و چه نتایج و دستاوردهایی به‌دنبال داشته است؟ درواقع، زمانی که بخشی از مسیر، پیموده شده، نباید از «نقطه صفر» آغاز کرد و مجال محدود تولید علم را در دنیای پرشتاب کنونی، صرف گشودن «گره‌های گشوده‌شده» و پاسخ‌دادن به

1. Humanities.

۲. مرتضی مطهری؛ *آینده انقلاب اسلامی ایران*؛ ص ۲۴۷.

3. Idea.

4. Approach.

۵. به‌راستی باید اذعان کرد که یکی از بیماری‌های معرفتی جامعه ما، انقطاع از گذشته تاریخی و گسست با میراث علمی فرزندان و اندیشمندان متقدم و متأخر اسلامی و وطنی است.

«پرسش‌های پاسخ داده‌شده» نمود. خوانش مبسوط و ساختارمند نظریه فرهنگی علامه مطهری، در این چارچوب و تلقی، معنا و ضرورت می‌یابد. در مقام احتجاج بیرونی باید اشاره کنم غربی‌ها، دقیقاً همین نوع تلاش علمی را بر روی تفکر و اندیشه نظریه‌پردازان کلاسیک^۱ خود در حوزه علوم اجتماعی انجام داده‌اند؛ اگرچه کسانی همچون امیل دورکیم^۲ و ماکس وبر^۳ درباره فرهنگ، مطالب ساخت‌یافته و مستقلی از خود به‌جا نگذاشته‌اند، اما وجود اشاره‌ها و گزاره‌هایی فرهنگی در پاره‌هایی از تفکر آنها، به شکل‌گیری «نظریه فرهنگی کلاسیک»^۴ انجامیده است.^۵

۵. پیش‌فرض‌های پژوهش

- ۵-۱. پاره‌ای از مطالب و مباحثی که علامه مطهری از خود به‌جا نهاده، جنس و هویت فرهنگی دارد؛ یعنی به مطالعه «جهان فرهنگی» معطوف است.
- ۵-۲. مطالب و مباحث فرهنگی علامه مطهری، آن‌چنان مجموعه نظری منسجم، گسترده و عمیقی را تشکیل می‌دهد که می‌توان آن را «نظریه فرهنگی» نام نهاد.
- ۵-۳. امکان «اکتشاف»، «ساختاربندی» و «بسط» مطالب و مباحث فرهنگی علامه مطهری، وجود دارد.
- ۵-۴. مطالعه نظریه فرهنگی علامه مطهری، مبنای مرقعیت نظری مستحکمی برای تولید انبوه نظریه اسلامی در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگ و فلسفه فرهنگی فراهم می‌کند.

1. Classical theorists.

2. Emile Durkheim.

3. Max Weber.

4. Classical cultural theory.

۵. ر.ک: فیلیپ اسمیت: درآمدی بر نظریه‌های فرهنگی؛ ص ۲۱-۴۴.

۶. قلمرو نظری پژوهش

مقوله «فرهنگ»، مقوله‌ای مشترک میان شاخه‌های مختلف «علوم اجتماعی»^۱ از قبیل جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و... است و در هریک از این شاخه‌های علمی، فضای مفهومی ویژه‌ای تولید کرده است. «فرهنگ» یکی از اجزای ذاتی «علوم اجتماعی» است و علوم اجتماعی، خواه‌ناخواه، در تماس مستقیم یا غیرمستقیم با این مقوله است. شاید بتوان ادعا کرد هیچ‌کدام از علمای علوم اجتماعی نتوانسته‌اند خود را از این پدیده اجتماعی برکنار دارند و درباره آن، اظهارنظر نکنند. تمام بحث‌های علوم اجتماعی، به نوعی در ارتباط با «فرهنگ» قرار می‌گیرند؛ از این رو، عالم علوم اجتماعی نمی‌تواند تأمل در حوزه «فرهنگ» را نادیده بینگارد. به همین سبب است که گفته شده «مفهوم فرهنگ، جزء جدایی‌ناپذیر تفکر در علوم اجتماعی است».^۲ به بیان دیگر، از آنجاکه جامعه‌شناسی، جهان اجتماعی^۳ را مطالعه می‌کند و فرهنگ پاره مهمی از جهان اجتماعی است، عالمان علوم اجتماعی به ناگزیر، بحث‌ها و تأملاتی درباره فرهنگ و احکام و عوارض آن از خود به جا نهاده‌اند. درواقع، نگارنده بر این باور است که نظریه فرهنگی، بخشی از نظریه اجتماعی^۴ است و نسبت میان آن و نظریه اجتماعی، عموم و خصوص مطلق است، به گونه‌ای که نظریه فرهنگی، از نظر دامنه و قلمرو موضوع، محدودتر و اخص از نظریه اجتماعی است.

جامعه‌شناسان کلاسیک از قبیل امیل دورکیم، کارل مارکس،^۵ ماکس وبر و گئورگ زیمل^۶ در متن یا در حواشی مطالعات و تأملات خویش، به فرهنگ نیز نگریسته و از آن سخن گفته‌اند. پس از این مقطع نیز تا دهه‌های پایانی قرن

1. Social Sciences.

۲. دنی کوش؛ مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی؛ ترجمه فریدون وحید؛ ص ۵.

3. Social world.

4. Social theory.

5. Karl Marx.

6. Georg Simmel.

بیستم، فرهنگ در مطالعات جامعه‌شناختی چنین حضوری داشته و چندان شأنیت کانونی یا موضوعیت مستقل نیافت، اما در واپسین دهه‌های این قرن، فرهنگ از آن‌چنان اهمیتی برخوردار شد که پیدایش شاخه‌هایی از قبیل جامعه‌شناسی فرهنگ^۱ و مطالعات فرهنگی^۲ را رقم زد. از آن هنگام تاکنون، همچنان به فربهی و انباشتگی مطالعات و تحقیقاتی با محوریت فرهنگ و مفولات فرهنگی افزوده شده و ادبیات گسترده‌ای پدید آمده است.

اما باید گفت، این پژوهش از نظر قلمرو و جغرافیای نظری، تنها به حوزه جامعه‌شناسی فرهنگ، محدود نیست، بلکه به چند حوزه علمی خویشاوند معطوف است:^۳

حوزه معرفتی اول: «فلسفه علم فرهنگی»^۴ یا «مبادی علم فرهنگی»^۵ که نوعی علم آلی و برهستی‌شناسی فرهنگی و معرفت‌شناسی فرهنگی مشتمل است؛ برای نمونه، «روش مطالعه فرهنگ» بحثی است که در قلمرو معرفت‌شناسی فرهنگی قرار می‌گیرد.

حوزه معرفتی دوم: «فلسفه فرهنگ»^۶ که به وجود خود فرهنگ ناظر است در ذیل هستی‌شناسی فرهنگی قرار می‌گیرد؛ برای نمونه، محور «ماهیت فرهنگ» را این حوزه مطالعه می‌کند.

حوزه معرفتی سوم: «علم فرهنگ»^۷ یا همان جامعه‌شناسی فرهنگ که احکام و احوال فرهنگ را در جهان اجتماعی مطالعه می‌کند؛ ازجمله، محور «کارکردهای فرهنگ» در ذیل این حوزه قرار می‌گیرد.

1. Cultural Sociology.

2. Cultural Studies.

۳. این تقسیم‌بندی، تا حدود زیادی مورد قبول محافل علمی است و براساس آن، کتاب‌ها و مقالات متعددی نگاشته شده است.

4. Philosophy of Science Culture.

5. bases of Cultural Science.

6. Philosophy of Culture.

7. Science Culture.